



"مرحله دوم عملیات فتح‌المبین بود، اوایل فروردین سال ۶۸ در این عملیات قرار بود سایت‌های ۴ و ۵ آزاد شود، آن روزها، اهواز در تیررس توپخانه دوربرد عراقی‌ها بود. اتفاقاً شبی که عملیات شروع شد، شب جمعه بود. ما را بردند دعای کمیل،بعد از دعا، مسیری را که طی کردیم تا به منطقه عملیاتی برسیم، پیاده بردند تا دشمن متوجه ما نشود. آن شب از ساعت ۱۱ تا ۳ صبح فردایش پیاده روی کردیم.

در داخل ششیاری، ما را صف کردند. فکر می‌کنم حدود ۵۰ متری با دشمن فاصله داشتیم، ساعت حدود ۴/۵ صبح بود که عملیات آغاز شد."

حسین سعیدی، که امروزها پا یک پا و یک عصا در روزهای زندگی قدم می‌زند، می‌خواهد از علی اکبر خمسه، زنده‌های که هر دو از شهر شریف آباد بودند و پس از آموزش در لشکر ۱۶ زرهی قزوین، با هم به مناطق جنگی اعزام شدند.

او ادامه می‌دهد: عملیات که آغاز شد، دشمن امانمان نداد، توپ و خمپاره بود که زمین و زمان را پر از دود و آتش کرده بود. صحنه‌های عجیبی بود. در این گیر و دار، فقط معنویات بود که بر بچه‌ها حاکم بود، آن روز، عقل کاربردی نداشت و این عشق بود که بر همه جریانات حاکم بود.

با حمله جانانه‌ای که بچه‌ها کردند، ۳ خاکریز دشمن را پی در پی و بدون مقاومت گرفتند، به خاکریز چهارم که رسیدیم، کار کمی سخت شد، مقاومت دشمنان زیاد شده بود، از طرفی هم آنها از زمین و هوا و با هر امکاناتی که توشور را بکنید به میدان آمده بودند، تا به خیال خود پیروز آن مرحله از جنگ باشند.

سعیدی می‌گوید: هوا گرگ و میش بود، ساعت‌های حدود ۶/۵ یا ۷ صبح، چشمم به گلوله آتشینی افتاد که با سرعت به طرف من می‌آمد، بلافاصله تصمیم گرفتم دراز بکشم، قبل از اینکه تمام بدنم بر روی زمین آرام بگیرد، بخشی از آن گلوله به من اصابت کرد و به پشت افتادم روی زمین، خون بود که فواره وار به سر و صورتم می‌ریخت، بخش‌های زیادی از بدنم داغ شده بود، یکی از رزمنده‌ها هم ترکش خورده بود و کنارم دراز کشیده بود.

من جایی افتاده بودم روی زمین که نمی‌توانستم، به درستی وضعیت خودم را ببینم، فکر می‌کردم خونی که به هوا پاشیده، از بدن رزمنده‌ای بوده است که در کنارم افتاده است.

پرسیدم: چه شده؟

من در آن لحظه کاملاً گرم بودم و هیچی متوجه نبودم که چه اتفاقی افتاده است، او هم که می‌دانست چه اتفاقی افتاده، دلش نمی‌آمد به صورت مستقیم به من بگوید.

گفت: خودت نگاه کن و دستت را زیر سرم گذاشت و بلند کرد تا خودم ببینم.

کمی که سرم را بلند کردم، مسیر نگاهم را اول انداختم به بدن او، ولی وقتی مسیر خون را پی گرفتم، رسیدم به پای راست خودم، دیدم پای راستم، تقریباً از زانو به پایین نیست، خواستم پایم را تکانی بدهم که تکه گمشده‌اش را ببینم، احساس کردم پایم کاملاً بی‌حس است و انگار اصلاً جزو بدنم نیست.

دوست رزمنده‌ام پرسید: چی شده؟

گفتم: پایم نیست، اما چرا اصلاً درد ندارم؟

سعیدی که قطعه عکس رنگ و رو رفت‌ای را در دست دارد، نشانم میدهد و می‌گوید: آن روز، حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه اصلاً دردی احساس نمی‌کردم، اما بعد از آن کم کم احساس کردم دارم بینایی‌ام را هم از دست می‌دهم، میدان جنگ دور سرم می‌گشت و همه چیز درحال محو شدن بود.

در همین حال و روز بودم که علی‌اکبر خمسه از راه رسید، بالای سرم نشست، سرم را روی دامانش گذاشت، شروع کرد به پای کردن صورتم و بوسه زدن بر آن.

گفت: مرا می‌شناسی.

گفتم: راستش، درست نمی‌توانم ببینم.

گفت: ناراحت نباش.

جانباز حسین سعیدی و ناگفته‌های یک عکس:

مسیر خون را که پی گرفتم، رسیدم به پای راستم که نبود!

من دیگر نمی‌توانستم جواش را بدهم، ولی می‌شنیدم که او درحالی که اشک‌هایش به سر و صورتم می‌ریزد، می‌گوید: راضی باش به رضای خدا، حضرت ابوالفضل هم دست‌هایش را در راه اسلام و امام حسین(ع) داد، خدا تو را دوست دارد. حرف‌های این عزیز، همینطور ادامه داشت که آخرین کلمات و حرف‌هایش را شنیدم که می‌گفت: دارند عکس می‌گیرند، روی ت را برگردان. و این عکس همان عکس است.

سعیدی، امروزها به عنوان بازنشسته، با زن و فرزندانش در گوشه‌ای از این شهر، با خاطرات تلخ و شیرینش و آرام و آرام به زندگی خود ادامه می‌دهد.

سعیدی آنقدر سختی در دوران کوتاه زندگی‌اش کشیده، که نمی‌داند از کجایش بگوید، اما برای گفتن آنها، کوتاه می‌آید و می‌گوید: بی‌خیال! بنار با گذشته پردرد و رنجم تنها مانم…

او که پس از شنیدن جمله! دارن عکس می‌گیرند از زبان دوست هم‌زم و همشهری‌اش بیهوش شده و دیگر چیزی متوجه نمی‌شود، می‌گوید: دوستم بعداً تعریف کرد: "تا تو

**حسن شکیب‌زاده*

پرسید: چی شده؟

گفتم: به ترکش کوچک خوردام.

او کیسه‌ای را که به همراه داشت باز کرد و پوتین پای راستم را درآورد و گفت: بیا، من هم بعد از رفتن تو موضوع را فهمیدم، گشتم و پوتینت را پیدا کردم.

گفتم: پایم…؟

سعیدی می‌گوید: آن روزها گذشت و من بعد از ۷ ماه، عضو رسمی سپاه پاسداران شدم، و بعد از اینکه زمان بستری‌ام تمام شده، چندین بار با یک یا به مناطق جنگی رفتم، تقریباً تا آخرای جنگ، البته ۵ سالی هم مسئولیت ناحیه بسیج روستایی را داشتم و سرانجام هم بخاطر وضع جسمانی که داشتم، از طرف سپاه پاسداران بازنشسته شدم.

او یک اتفاق مهم و به یاد ماندنی، آن هم قبل از آغاز عملیات را خیلی زیبا به یاد دارد و وقتی تعریف می‌کند، اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زند: شب عملیات، بعد از خواندن دعای کمیل، در محل ورودی منطقه عملیاتی، به آقای روحانی و سیدی قرآن به دست داشت و همه را از زیر



آن رد می‌کرد به منطقه عملیاتی، من آخرین نفر بودم، بوسه به قرآن زدم و با همان آقا آمدیم به منطقه، چند صد متری که جلو رفتم، دیدم حاج آقا آشوری، یکی از روحانیونی که از قزوین با ما آمده بود و اتفاقاً دلاور هم بود و بعداً به شهادت رسید، قرآن در دست گرفته و بچه‌ها از زیر آن عبور می‌کنند.

من که به زیر قرآن رسیدم و آنرا بوسیدم، گفتم: حاج آقا، ما را همین حالا از زیر قرآن رد کردند.

گفت: چه کسی؟

حاج آقا آشوری که مرا حیران دید، بغلم کرد و پیشانیم را بوسید و گفت: صدایش را در نیار…!

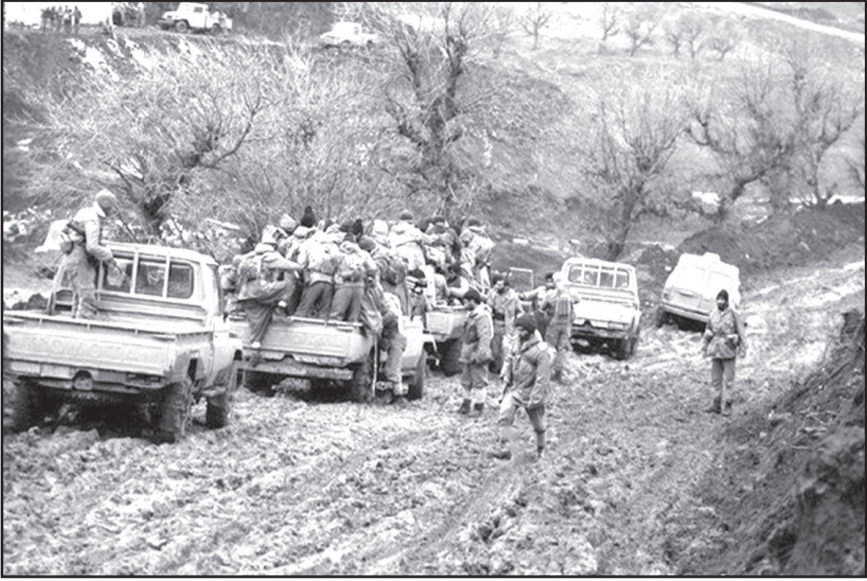
سعیدی آهی کشیده و می‌گوید: شهادت هم لیاقت می‌خواهد. سپس دوباره به عکس اشاره می‌کند و می‌گوید: این عکس رو، هر کی ببیند و ما را نشناسد، حق نمی‌زند که من در دسامن آن رزمنده به شهادت رسیدم، اما سرنوشت‌ها طور دیگری رقم می‌خورد، طوری که گاهی همه حاج و واج می‌مانند.

او ادامه می‌دهد: برادر رزمنده و همشهریم علی اکبر خمسه که در عکس، سر مرا روی پاهایش گذاشته، در عملیات بعدی، که عملیات رمضان بود، به شهادت می‌رسد، شهادتی که انصافاً قشش بود و خدا چه زیبا و درست انتخاب می‌کند، خوبان در گناهش را…

من که به سهم خودم، زنده ماندم‌م را مدیون اویم، اوبی که آمد تا من نروم و آخر خود رفت!

نگاهی به عملیات والفجر ۴

قسمت چهارم و پایانی



از فرماندهی‌اش بر لشکر پایتخت باقی مانده بود.

این عملیات را ۸ تیپ و دو گردان از سپاه و ۱ لشکر پیاده از ارتش به انجام رساندند. فرآیند این عملیات، تصرف پیشرفتگی دشت شیلر، شهر و بادگان پنجون و گرمک عراق و تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق، همراه با ۱۹۰۰۰ تن کشته و زخمی و اسیر و نابودی ده‌ها گردان و گروهان کماندویی و مخصوص دشمن بود.

دستاورد دیگر این عملیات خارج ساختن شهر مریوان از زیر دید و تیر دشمن و فراهم سازی مقدمات عملیات بعدی در استان سلیمانیه عراق بود.

*** اهداف عملیات**

عملیات والفجر ۴ به منظور حصول به اهداف نظامی زیر در

منطقه عمومی مریوان، شیلر طرح‌ریزی و اجرا شد:

۱ – تأمین ارتفاعات شمال و شمال غرب مریوان.

۲ – پاکسازی بخشی از مناطق اشغالی.

۳ – انهدام نیروهای دشمن در منطقه پنجون.

۴ – قطع ارتباط عناصر ضدانقلاب منطقه با منابع پشتیبانی در عراق.

۵ – خارج کردن شهرها و آبادی‌های مرزی منطقه از برد توپخانه دشمن و سرانجام تصرف پیشرفتگی شیلر.

*** نتایج عملیات**

با گسترش روند پیروزی‌های رزمندگان اسلام در این عملیات، قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، با انتشار اطلاعیه‌هایی از تکمیل پیروزی‌ها در این منطقه خبر داد. در اطلاعیه شماره یک قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) آمده بود: «نیروهای اسلام با اکتال به قدرت لایزال خداوندی، طی ۴۸ ساعت گذشته در یک عملیات گسترده در منطقه مرزی سردشت، موفق به تصرف ارتفاعات استراتژیک و مهم ۲۲۵۰ متری هینمالا. ۲۳۵۰ متری لک لک، کوه ۲۰۶ متری عمل، ۲۰۰۰ متری بلیس، ارتفاعات بیجلی و کوه رستم الان و بلندی‌های دشت باژول، ارتفاعات دولمیری، کوه بروج و خواراسب گردیدند.» این اطلاعیه اضافه کرده بود: «رزمندگان اسلام متشکل از دلاوران ارتش جمهوری اسلامی ایران، جان برکفان پاسدار و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سلحشوران ژاندارمری و پیشمرگان مسلمان کرد طی این عملیات، همچنین هجده روستا از جمله روستاهای اسب میرزا، یوسف گل، گلاس، سید شلماش و دوله گرم را از لوٹ وجود گروهک‌های مزدور پاک سازی نمودند»

این قرارگاه در اطلاعیه شماره دو خود نیز تصریح کرد: «بفرزندان غیور و جان بر کف سرزمین انقلاب اسلامی، به منظور پایان بخشیدن به آتش‌افروزی‌های ایادی داخلی کفر جهانی و سرکوب آشراز مسلح وابسته به استبدار جهانی، در یک عملیات پیروزمندانه موفقیت سردشت، دو شب گذشته طی یک عملیات هماهنگ و موقتاً آمیخت تحت فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) مرکز عملیات مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در منطقه مرزی بانوه و مریوان به مواضع ضدانقلابیون یورش بردند و به آشراز مسلح و قوای رژیم بعثی – صهیونیستی عراقی که به حمایت از ضدانقلابیون با نیروهای اسلام درگیر شده بودند، ضایعات و تلفات سنگینی وارد آوردند»

منبع: کتاب کوهستان آتش تهیه و تنظیم: مینا رامی

آگهی دعوت

جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی گل آفتاب رامسر به شماره ثبت ۶۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۳۳۷۵ جهت تعیین هیات مدیره راس ساعت ۱۶ روز یکشنبه ۱۳۰۱/۸/۲۲ در۱۴۰۱/۸/۲۳ در محل قانونی شرکت به نشانی رامسر-شهرک صنعتی بوده -رقبوزه نالار ایرانیکا تشکیل می گردد.لذا از عموم اعضا دعوت بعمل می آید این ساعت مقرر در جلسه حضور بهم رسانند و با وکلای خود را کتا از بین خود انتخاب نمایند.

دستور جلسه
۱- استماع گزارش هیات مدیره
۲- طرح و تصویب انحلال شرکت تعاونی
۳- تعیین مکان و ادرس تصفیه
۴- تغییر و تحویل شرکت
۵- اعلام اشغفا و عزل مدیر عامل
توضیح
۴: به استناد ماده ۱۹ این نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی، هر یک از اعضای تعاونی می توانند،نامه‌ی تام الخت خود را کتا از بین یا خارج از اعضا برای حضور در مجمع عمومی و اعمال رای تعیین نمایند.

هیئت مدیره شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی گل آفتاب رامسر

آگهی مناقصه عمومی مر حله دوم – نوبت دوم

شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت‌نامه شماره ۱۸/ش مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۴ شورای اسلامی شهر، در نظر دارد احداث شبکه جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی جنب اداره پست بندرماهشهر را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدالشرايط واگذار نماید.
۱- اسناد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی Setadiran.ir تا مورخ ۱۴۰۱/۸/۱۵ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۳ ارائه می گردد؛ و پاکت‌ها تا مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ ساعت ۱۸:۰۰ باگذاری شود. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ می‌باشد.
۲- مبلغ برآورد اولیه جهت یک سال ۵۷۳/۸۷۶/۶۴۱/۳۷ ریال می‌باشد که پیشنهاددهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۸۲۹/۸۲۹/۰۹۳/۱/۸۸۲ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سبیا شماره ۰۳۶۷۰۳۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
۳- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
۴- ارائه رتبه حداقل ۵ اثنیه یا ۵ آب از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور الزامی می‌باشد.
۵- گواهی معتبر تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.
۶- شرکت‌کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده‌رقمی (TIN) باشند.

۷- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۰۶۱۵۲۳۳۹۱۱۴ تماس بگیرند.

امور قراردادهای شهرداری بندر ماهشهر

دعوت‌افراز

خواهان:

شرکت‌کاران: کلیه زارعین و مالکین مشاعی و کلیه افراد حقیقی و حقوقی بالای ۷۹ فرعی از ۱۲۶ اصلی شرکت خمیرمایه لرستان طی درخواست‌نامه شماره ۱۳۰۱۳/۱۴/۱۳۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۶ خوارست افراز سهم مشاعی خریداری خود از پلاک ۷۹ فرعی از ۱۲۶- اصلی واقع در ورود روستای پهلوانگل می‌باشد
را از این اداره تصوده است حال به علت کوچ و مهاجرت تعدادی از مالکین مشاعی و صاحب نسق و عدم دسترسی به آدرس و اظهار عجز خواهان از اعلام محل سکونت آنان بدینوسیله مراتب آگهی تا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ذیعق و ذیعق پلاک فوق در مورخ ۱۳۰۱/۸/۲۲ روز دوشنبه راس ساعت ۱۱ در محل وقوع ملک جهت انجام عملیات افراز و نقشبرداری حضور به هم رسانند بدیهی است عدم حضور مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.
م الف ۲۶

مصطفی امان‌الله بیاروندی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر بر اینکه شادانگ کبکاب خانه مخروبه به شماره پلاک ۳۹ فرعی قسمتی از پلاک ۹ فرعی از ۱۴۹ اصلی واقع در قریه بشیرلو بخش ۲۰ اردبیل به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع بنام آقای علی فتحی کیلارلو تایید و تحدید حدود آن تاکنون بعمل نیامده تحدید حدود پلاک مورد در روز پنج‌شنبه ۱۴۰۱/۹/۱۰ ساعت ۱۱ صبح بعمل خواهد آمد بدینوسیله به مالکین و مجاورین اعلام می‌گردد در موعد مقرر در محل حاضر شوند ضمناً اعتراض بر تحدید حدود و حقوق ارتقائی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه به مدت ۲۰ روز خواهد بود.
م الف ۴۸۷

سید نیکخو – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی از طرف رحیم رحیمی ابیلخانلار

اصلاحیه آگهی مزایده مرحله دوم (نوبت دوم)

شهرداری مققان با استناد به بند ۲ صورت‌جلسه شماره ۲۶ مورخه ۱۴۰۰/۱/۲۰ و بند۴ صورت‌جلسه شماره ۶۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ و بند ۴ صورت‌جلسه شماره ۶۳ مورخه ۱۴۰۱/۰۶/۱۷ شورای محترم اسلامی شهر مققان در نظر دارد تعداد۶ قطعه زمین واقع در داخل حریم شهر مققان از طریق مزایده کتبی نسبت به فروش اقدام نماید، لذا از علاقه‌مندان واجدشرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مزایده و پیشنهاد قیمت خود را از تاریخ نشر آگهی ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ روز دوشنبه تا آخرین مهلت قبول پیشنهادات پایان وقت اداری روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ مدت ۲۴ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی پیشنهادات خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ارائه نمایند. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر تلفن تماس ۰۴۱-۳۴۳۲۳۳۵۱-۱ سایت شهرداری Mamaghancity.ir مدنظر می‌گردد.

روابط عمومی شهرداری مققان

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص فرگاه

به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۷۸۱۴۳ و به شماره ثبت ۵۵۵۴

به استناد صورت‌جلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای عباس ایمانی به شماره ۰۰۵۲۳۷۴۳۱۰+ به سمت عضو هیئت مدیره آقای احمد کرباسیان به شماره ملی ۰۷۴۵۵۰۵۴۵۳+ به سمت مدیرعامل و به سمت رئیس هیئت مدیره آقای محمدرضا نورالدینی به شماره ملی ۱۷۵۴۰۱۶۵۵۳+ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهاداراز و تعهدادور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی یا امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره آقایان احمد کرباسیان و عباس ایمانی همراه با مهر شرکت و کلیه نامه‌های عادی و اداری با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۴۰۵۶۳۴)

اطلاعیه

بنا به خواست سهامداران واحد تجاری (مکان فعلی داروخانه) واقع در میدان شهید فلاحی (ورودی شهر طالقان) په متراز ۵۱ متر مربع در کف و ۲۰ متر مربع بصورت بالکان جمعا به متراز ۶۱ متر مربع مبنی بر فروش آن از طریق مزایده با مدیریت تعاونی مسکن فرهنگیان طالقان و بنا به نظریه کارشناسان خبره با قیمت پیشنهادی پایه از قرارمتری ۸۰ میلیون تومان به طریق مزایده بفروشی می‌رسد.

متقاضیان محترم می توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۵ لغایت تاریخ ۱۴۰۱/۹/۵ قیمت پیشنهادی خود را کتا به دفتر تعاونی مسکن فرهنگیان طالقان واقع در طبقه فوقانی داروخانه یاد شده تقدیم فرمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر میتوانید با شماره های ۰۹۱۲۷۶۸۴۴۳۸ و ۰۲۶۴۴۷۲۴۸۳۰ و ۴۴۷۲۴۸۳۰ تماس حاصل نمایید .

مدیریت تعاونی مسکن فرهنگیان طالقان